

خبرنامه

جبهه ملی ایران

استقرار حکومت ملی هدف
جبهه ملی ایران است

شماره ۱۰

هفتم آذرماه ۱۳۰۴

فوق العاده خبرنامه - شماره ۱۰ - هفتم آذرماه

هشدار

مسوطن

از اردیبهشت ۲۷ (تاریخ انتشار نخستین شماره) تا امروز مخبرنامه حتی القدر خیر و نظری را که متعمرکننده واقعیت ها نبوده ، منتشر نکرده است و هر بار بیتر بیینی های این نشریه رننه واقعیت بخود گرفته اند . و این بدو دلیل مستحوی واقعیت همانسان که هست و آمادگی برای قبول نتایج تجربه علمی و بکار برد روش علمی درست . اما فایده این تذکار چیست ؟ یک خودستانی است ؟ یا هدفه لازم برای جلب توجه ، توجه حادی و مسئول تو هموطن بوضع بحرانی و خطراتی است که با آن روبرو شده ایم . برغم خود میخواهیم با تذکار فوق ترا آگاه کنیم از خطری که نزدیک و نزدیکتر میشود . میخواهیم تو با توجه بامر فوق بخود را از هرگونه سابقه ذهنی آزاد کنی و بخطریرکه ناظر به اساس موجودیت جباران و همه مایوزین و مبارزه است نبوده کنی . مقصود جلب توجه جدی و مسئول است به این امر حیاتی که :

با همه زمینه های علمی و آمادگیهای ذهنی و با آنکه مردم ما بجز خواستار وحدتند ، و بجزم هوشدارهای مکرر ، رژیم حاکم در حال تضاد های عارضی بخود (از جمله بعلمت نحوه عمل نیروهای مخالف) علیه مخالفین پیش میگرد ، نشانه هایی در اقیانوسه بروز و ظهور میکنند ، نمود بختر نیستند . زمانیکه برای انتخاب در اختیار است ، منف و کوتاه نمی شود : یا بر اساس فکر و برنامه هائیکه متعمرکننده واقعیت های کشور است متحد میشوند و یا در تجزیه عقوبت زایمان به بخت میزنیم !

مسوطن ،

طنی چهار سال متوالی ، خطر رسمی کردن مذهب و عقیده (هر عقیدتی) را یادآور شدیم اما گوشها سنگین بود و نمیشد با کمال خوشحالی وجود خمینی و همه مجاهدانیکه در راه عقیده اسلامی شهید شدند (یا مبارزه میکنند) مانع از آن شده است که کار سپاه دین شاه بجائی برسد و رژیم در رسمی کردن مذهب و مشروعیت گرفتن از آن یا شکستهای جدی روبرو شده است . اینک وقایعی همزمان رخ میدهند : از سوچی دولت عراقی ظاهرا در صدور اجزای " ماده محرمانه " قرارداد با رژیم شاه است لایه در راهی ، رها کردن کردها بدست قشون جبار عراق ، رژیم عراقی متقابلا بگردن گرفته است که خمینی را خشن و بی اثر سازد و بنا بر اجزای این ماده است . خبریکه در همین اطلاعیه آمده است ما از توضیحات اضافی بینناز میکند . خطریکه تبع را تهدید میکند خطریست که مجموع مبارزه را تهدید میکند . این ته بلحاظ آنستکه برای شخصیت نقشر خدائی قائل میشوم بلکه بلحاظ رابطه این موضوع با هدفهای چهارگانه رژیم در جذب و حذف نیروهای مخالف است :

- ۱ - جدا کردن نیروهای مبارز پیشرو از جامعه .
- ۲ - تشدید بحران های ایدئولوژیک و اخلاقی در میان نیروهای مخالف .
- ۳ - از بین بردن زمینه وحدت میان نیروهای مخالف ، بیا استفاده از عوامل خود در ایجاد کینه های نارودنی میان پیروان عقاید مختلف نسبت بیکدیگر .
- ۴ - حل تضاد های عارضی و خنثی کردن مجموعه نیروهای مخالف .

مسوطن ،

در رابطه با همین هدفها ، رژیم میخواهد روشهای فاشیستی خود را به مخالفین تسوی دهد و بدان وسیله فاشیسم سلطنتی - بصورت یک سیستم فکری جامع ایدئولوژیک بر بیگان یک دید دیالکتیک علمی درونگر تدوین کرده تا منطق تحولات که در سر حیات معنوی و فرهنگ طنی قرار دارد روشن شود - (نقل از فرمان شاه به هیدا - کیهان ، آذر ۱۳۰۴) بمعنی فاشیسم سلطنتی که توانست مشروعیت اسلامی بیکرد (مذهب رسمی) اینک میخواهد از " دیالکتیک علمی درونگر و منطق تحولات " مشروعیت بیکرد و هر این بیشتر قرار بیکرد (و این همان امر است که بدفاتر بعنوان مارکسیسم رسمی طرح کرده و هتدار دادیم) رژیم چه میخواهد جز اینکه ضمن تامین هدفهای چهارگانه فوق ، با مشابهت روشها خود را یکرسی قبول بنماید . بنابراین اگر صادق و صریح باشیم باید :

با روشهای نادرست که شایسته در میان مخالفان رایج است با جدیت و اطاعت مبارزه کنیم با آن روشها از جمله اینها هستند :
- بکار بردن زور علیه یکدیگر با اشکال گوناگون و محکوم کردن های یک طرفه و اجرا کردن حکم های محکومیت حتی بدون اطلاع قبلی بقضایاتی .

- دروغ و تحریک و تیرنگ و با اصطلاح اهل اینکارها ! تاکتیک رن .
- اقتضای عقیدتی رن بمعنی جعل قول از طرف عقیده و گروه یا کسی که قصد کوبیدن آنرا داریم .
- نشان دادن فتنه و ناسزا و اتهام و بوجوب رن (از طارک طبیعتی که امروزه رایج ترین شکل آنست گرفته تا انواع دیگر بوجوب) .
- رفتارهای کینه توزانه در برخورد با مخالف عقیدتی یا مخالف " رهبری و قدرت " خود .
- دست انداختن و مسخره کردن و تخطئه کردن عقیده یا گروه و یا فرد مخالف .
- سانسور و جلوگیری از اظهار فکر و عقیده و فراهم آوردن شرایطی که مخالف عقیده نتواند حرف خود ترا بزند . از روی غفلت

از این واقعیت که رشد علمی در مکرر اظهار دست آورد های اندیشه و میدانه سالم آرزو و نظرهاست .

پرونده سازی از راه جعل و تزویر و تحریف .

- با نشانناز افراد را در ابدان و اطلاعات از اوامر " رهبری " برخلاف عقیده و تطایلتان کردن .

در یک کلام مجموع روشهاییکه برای تخریب دیگری بقصد " ساختن " خود و جمع کردن قدرتها تر خود بکار میروند . این روشها

تحت هر عنوان عهدتی بگارورند. روشهای فاشیستی و صحن قدرت طلبی و عقاید ناپروردان هستند و عنوان عهدتی تنها پوشش است و بس.

بر تو است که هر سخن و یا نوشته ای که متضمن روشهای فوق می شود یا سخنانی یا قاطعیت مورد انتقاد قرار دهی زیرا که وحدت نیروی مخالفان را وقتی این سرورها از راه انتقاد طاعانه این روشها بازتر آنها و بطریق اولی از تحلیلات قدرت طلبی که این روشها منعکس کرده اند، آزاد نشوند، بهم و خیال است.

اگر نیروهای مخالف سرع عمل نکنند، از لحاظ جامعه آنها و رژیم حاکم، در چتر یک مجموعه و دولت بود و همجنس و رو روی یک رنگه تلقی خواهند شد و البته در این صورت رژیم به تمامی هدفهای چهارگانه خود خواهد رسید و هم اکنون به پیش قدمه ای از آنها تحقق بخشیده است. امید آنکه همه کسانی که برای خود مسئولیت می نهند، به این هدفها توجهی کنند و قبل از آنکه دیر شود افعی را که هم اکنون تاریک و تاریکتر میشود روشن کنند. و نیز همه بدانند در این برهه تاریخی مسئولین شکست بحال خود رها نخواهند شد و البته باید حساب اعمال خود را بر بدهند.

اخبار

چند روز پیش رژیم عراق به مواجعه و ایلان کرد که اگر می خواهد این حوزة مستقر باشد باید با نظر حکومت عراق آنها را تنظیم نماید و تعداد محصلین مواد درسی و وجوهاتی که بدست شما میرسد از کجا و چه کسانی است باید کاملا برای مقامات عراقی روشن گردد آقای خوشی موافقت کرد یا مطالعه گذرایید درست معلوم شده ولی آقای خمینی سخت امتناع ورزید و صریحا یا هرگونه مخالفت دولت در امور روحانیت و حوزة نجف مخالفت نمود. در نتیجه روزی چند ساعتی بعد از ظهر موخه و تفرقه مطابق ۱۱/۱۱/۵۷ در موقعیکه آقای خمینی برای ادای قرضه طوم مسجد بودند حمله و دستگیری طلاب و روحانیان آغاز گردید. ماموران سازمان امنیت عراق با معیت پاسانها، روحانیان و طلاب را در خیابانها، کوچه ها، در صحن مطهر حضرت علی (ع) مجلو مداور و هر جای دیگر که میدیدند بطرز وحشیانه و موهنی دستگیر ساخته روانه زندان می ساختند. ویری نیاشد که زندان نجف پر شد. به نایاب دستگیر شدگان را به زندان کوفه منتقل ساختند و پیرا نیاشته شدن زندان کوفه، نوبت به زندان "خان نص" (محل ای بین نجف و کربلا) و زندان کربلا رسید و تمام این زندانها انباشته شد.

ماموران امنیتی ضمن حمله و تعرض به روحانیان، متعرض آقای خمینی که طوم نماز بودند نیز شده اول از ایشان جواز و هویت طلب کردند. وقتی با این اعتنائی ایشان مواجه شدند دست ایشان را گرفته میخواستند بطرف ماشین پلیس بکشند که با عکس العمل مردم و روحانیانیکه با ایشان بودند مواجه گردیدند و مختصر و خودی نیز بین مردم و ماموران امنیتی در گرفت و در این رابطه افراد زیر که اسامی و ستاری از ایران میباشند دستگیر گردیدند:

- ۱ - حجه الاسلام آقای سید عباس خاتم پوری
- ۲ - کربلی مازندرانی
- ۳ - دغاسی
- ۴ - املاسی
- ۵ - کربسی
- ۶ - ناصر صافهانی
- ۷ - تائینسی

و نیز سر حاج آقا مصطفی حسین خمینی. البته نامبرندگان پیرا ز ۱۰ ساعت با قید به اینکه در اول ماه ۱۳۳۷ در اداره سازمان امنیت حاضر شدند، آزاد گردیدند. لازم به یاد آوری است که شهرگان همگی در تاراج و تاراج شدند و وضع آنان غیر از اکثر روحانیان نیست که سالیان درازت در دولت عراق به آنها اقامه نموده و اکنون برای تسخیر دستگیر شده اند. دستگیری این افراد فقط بخاطر اعتراض به رفتار وحشیانه و بی ادبانه مامورین امنیتی نسبت به آقای خمینی بوده است. و نیز سازمان امنیت نجف این عمل اهانت آمیز نسبت به خمینی را نتوانستن و نا آگاهی ماموران خود توجیه کرده است ولی با در نظر گرفتن اینکه همین مامورین سالیانی دراز به عنوان مراقبت، رفت و آمد های خمینی را کنترل میکردند و همیشه با فاصله معینی پشت سر او حرکت میکنند و حتی افراد وابسته به او را فرد فرد می نهند، این عذری نیست که پذیرفته باشد. و با در نظر گرفتن اینکه حمله به طلاب درست وقت رفتن ایشان به نماز آغاز گردید خود قرینه است که قصد توهین به ایشان را داشتند و با اصطلاح خواستند بدینوسیله مخالفت صریح ایشان با مخالفت دولت در امور روحانیت را پاسخ گفته باشند. آقای خمینی به دنبال این جریان بعنوان اعتراض به رفتار دولت عراق نسبت به روحانیون نماز و در سر را تعطیل کرده و یگسوار بیرون رفتن خود داری ورزیدند. دستگیری و تسخیر طلاب ایرانی، پاکستانی و افغانی بتدات ادامه دارد و تاکنون صدها نفر از مرزهای سوریه و ایران از عراق اخراج گردیده اند و صدها نفر دیگر هنوز در زندانها بسر میروند.

آیت الله خمینی منتظری نجف آبادی را پیوسته از زندان اوین به کمیته میرسد و در هر دو زندان با شکجه های غیر انسانی مواجه است. طلاب و روحانیون دستگیر شده را در سلول یا ایوان مواجه میدهند و با شکجه تهدید میکنند که روحانیون منزوی به ایوان اهانت و کتک بزنند و پیرا امتناع از این عمل میباشند شکجه میدهند.

پدر پسر ایشان آقای حاج علی منتظری که نزدیک به ۸۰ سال دارد، به ملاقات ایشان میرود. مقامات سازمان امنیت به وی میگویند که اگر نامه ای، به شاه بنویسی و درخواست عفو کنی صورت را آزاد میکنم. ایشان حاضر به نوشتن چنین نامه ای نمیشود و میگوید پسر من جرمی مرتکب نشده که او را عفو کنند. بعضیها ایشان را به خانه آقای خوشناری میبرند. آقای خوشناری میگوید که نامه عفو را بنویسد، پسر ایشان میگوید که از شما قبیح است پسر من گناه مرتکب نشده که او را عفو کنند. پدر از منزل خوشناری بیرون آمده طوم نجف آباد میسرود.

پیرا ز چند روزی سازمان امنیت عفو نامه ای خطاب به شاه تنظیم کرده و مامورین به منزله ای که ایشان کار میکنند میبرند و بها توجیب و سایر تهدید میخوانند و اداتر سازند که او امضا کند و باز ایشان امتناع میکند. مامورین کتک مفضل به این پسر مرد میزنند و با دست خالی به تهران مراجعت میکنند.

اخیرا داماد آقای منتظری، ماعل دانشمند حجت الاسلام آقای سید هادی هاشمی را دستگیر و از سر نوشت او هیچ اطلاعی در دست نیست.

هم اکنون خبر میرسد که پرده های کوزر آیت الله منتظری را با شکجه های مداوم پاره کرده اند و شرایط ایشان در زندان بسیار ناراحت کننده است. آنها یا در صدر نایبوری ایشان میباشند و یا بمنظور ضربه های روانی چنین اقداماتی را تدارک می بینند و بسیار ناراحت است که در صدر مذاکرات ایشان هستند.

گفته میشود که آقای دکتر علی شریعتی را مجددا دستگیر کرده اند.